

بیانات در دیدار اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۷/۱۷

«رعیت» به مردم اطلاق می‌شود؛ یعنی کسی که مراعات او لازم است. رعیت چیز بدی نیست. بعضی‌ها خیال می‌کنند رعیت فحش است! رعیت یعنی کسی که مراعاتش لازم است؛ یعنی توده‌ی مردم و عامه‌ی مردم. اصطلاح «ناس» و «رعیت» غالباً به قشر سواد مردم گفته می‌شود. نه گروه‌های خاص. تکیه‌ی امیرالمومنین و پیغمبر و قرآن هم روی همین مجموعه‌های عمومی مردم است؛ همین‌که ما عوام مردم می‌گوییم؛ یعنی رعیت و توده‌ی مردم و سواد مردم؛ همین چیزی که خواص خاص خرج کن امروز با طرح آن در مسائل سیاسی و اجتماعی مخالفند و اسامش توده‌گرایی و پوپولیسم است. این‌که جماعت و حزب و گروه و دسته‌ی خاصی را انتخاب کنید و اینها بشوند محور تصمیم‌گیری و محور کار و طبعاً محور خیرات، خیلی خوش‌خیالی است؛ این‌که آدم خیال کند جماعت خاصی محور تصمیم‌گیری‌اند، کارها را آنها می‌کنند، انتصاب‌ها را آنها می‌کنند؛ اما وقتی نوبت تقسیم غنایم می‌شود، خودشان را زاهدانه کنار می‌کشند و می‌گویند خیر، بروید بدهید به مردم، دیدیم و تجربه کردیم که این‌طوری نیست؛ منطقاً هم این‌گونه نیست. لذاست که در منطق علوی، نگاه و توجه به عامه‌ی مردم است. گروه‌های خاص و قشرهای خاص و جماعت‌هایی که اسم خاص و عنوان خاصی پیدا می‌کنند و برای خودشان تشخیص خاصی به‌دست می‌آورند، مورد اعتبار نیستند؛ نه این‌که باید به اینها ظلم شود؛ نه، اینها هم مثل بقیه‌ی مردم تشخیصی ندارند؛ از نظر اسلام تعیینی ندارند؛ لذا می‌گوید: «و اجمعها لرضی الرعیه»؛ باید رضایت عامه‌ی مردم جلب شود. بعد حضرت استدلالی دارد که خیلی عجیب و جالب است. می‌فرماید: «فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه»؛ ملاک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و عدم رضایت عامه‌ی مردم است. چرا؟ چون اگر عامه‌ی مردم ناراضی داشته باشند، رضایت و خشنودی گروه‌های خاص از تو بکلی پامال می‌شود و از بین می‌رود. ای بسا جماعتی به اسم روشنفکر و نخبگان سیاسی، طرفدار حکومت و حاکمی هستند، اما عامه‌ی مردم ناراضی‌اند؛ این ناراضی عمومی مردم، خشنودی و رضایت آن جماعت ویژه را لگدمال می‌کند و از بین می‌برد؛ کما این‌که دیدیم همین کار را کردند. عکس این هم صادق است؛ «و ان سخط الخاصه یغفر مع رضی العامه»؛ اما اگر مردم را راضی کردی و رضایت عمومی را به دست آوردی، سخط و ناخشنودی گروه‌های خاص قابل بخشش است؛ یعنی خیلی اهمیتی ندارد و خیلی تاثیری نمی‌گذارد؛ بنابراین بروید سراغ راضی کردن عموم مردم. آن وقت حضرت نگاه حکیمانه‌ی دارد. ما هم در همین مدت‌هایی که دستمان توی کار بوده، این را واقعا دیدیم، لمس کردیم. «و لیس احد من الرعیه اثقل علی الوالی مونه فی الرخا، و اقل معونه له فی البلا، و اکره للانصاف، و اسال بالالاحاف، و اقل شکوا عند الاعطال، و ابطا عذرا عند المنع، و اضعف صبرا عند ملمات الدهر من اهل الخاصه»؛ گروه‌های خاص در همه‌جا مایه‌ی اذیتند؛ اولاً در وقت رخا و آسایش و فراوانی، موهنه‌شان بر والی از همه بیشتر است؛ توقعاتشان زیاد است؛ فلان چیز را به ما بدهید، فلان امکان را به ما بدهید. هنگام آسایش و راحتی کشور و دولت، که امنیت است و جنگی نیست و مشکلی نیست، بیشترین هزینه را بر حکومت غالباً همین گروه‌های خاص دارند. ما روی ضعف خودمان می‌گوییم غالباً، اما حضرت نه، به‌طور مطلق حکم کلی صادر می‌کنند: «و اقل معونه له فی البلا»؛ در سختی‌ها کمترین مقدار کمک را اینها می‌کنند. مثلاً اگر جنگی پیش می‌آید، ناامنی‌ی پیش می‌آید، دشمنی حمله می‌کند، از این گروه‌های خاص هیچ خبری نیست؛ کمتر در میدان هستند. «و اکره للانصاف»؛ از همه نسبت به انصاف، ناخشنودتر و کاره‌ترند؛ از انصاف و عدل و مساوات، بیشتر از همه، اینها بدشان می‌آید. «و اسال بالالاحاف»؛ از همه مصرت‌تر در درخواست، اینها هستند. البته مردم معمولی هم نامه می‌نویسند و چیزی را درخواست می‌کنند؛ یک‌وقت انسان امکان دارد، اجابت می‌کند؛ یک وقت هم اجابت نمی‌کند؛ دیگر دفعه‌ی دوم و سومی ندارد. اما گروه‌های خاص - اینهایی که جزو ویژه‌خواران سیاسی و اقتصادی‌اند - اگر چیزی می‌خواهند، مثل کنه می‌چسبند. الحاف، یعنی الحاح و اصرار. ول نمی‌کنند تا بالاخره یک چیزی بکنند و ببرند. «و اقل شکرا عند الاعطال»؛ وقتی به آنها چیزی می‌دهی، کمترین سیاسی را می‌گذارند؛ کانه حقی بوده و باید به آنها می‌رسیده؛ هیچ شکرگزاری ندارند. مردم عادی و معمولی نه؛ اگر در فلان گوشه‌ی محروم مملکت، شما مدرسه‌ی کوچکی می‌سازید، دعا می‌کنند، محبت می‌کنند، شکرگزاری می‌کنند. در مقابل، اگر بهترین امکانات را هم به آن افراد بدهید، کم‌سیاس‌ترین هستند. «و ابطا عذرا عند المنع»؛ وقتی انسان چیزی به آنها نمی‌دهد، اگر عذری هم داشته باشد، اینها عذر را قبول نمی‌کنند. «و اضعف صبرا عند ملمات الدهر»؛ وقتی مشکلات زمانه پیش می‌آید، اینها از همه کم صبرترند. اگر بلائی طبیعی یا بلایای اجتماعی پیش بیاید، از همه کم صبرتر و نوزن‌تر اینها هستند؛ بی‌صبری نشان می‌دهند و هی پا به زمین می‌کوبند. «و انما عماد الدین و جماع المسلمین و العده للاعداء العامه من الامة»؛ پایه‌ی دین، توده‌ی مردمنند. این جمله را امیرالمومنین دارد می‌گوید. این اگر پوپولیسم هم هست، پوپولیسم علوی است؛ مورد احترام و تقدیس ماست. «والعهده للاعداء»؛ در مقابل دشمن، عده و امکان و استعداد عبارتند از همین عامه. «فلیکن صغوک لهم و میلک معهم»؛ میل و گرایش عمومی‌ات به طرف عامه باشد.

بیانات در دیدار مردم شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

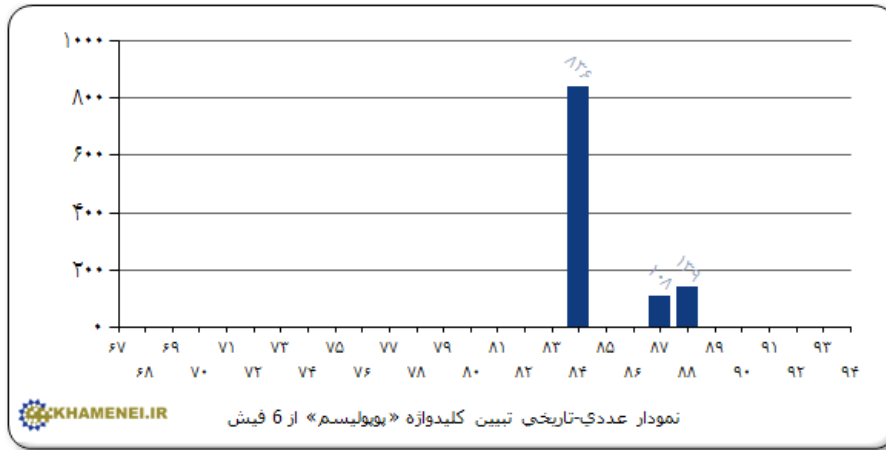
حادثه‌ی عظیم بی‌نظیر تاریخی انقلاب اسلامی را مردم رقم زدند. انکار نقش مردم و بی‌اعتنائی به حضور مردمی - که متأسفانه امروز در بعضی از نگاه‌های شبه‌روشنفکرانه، انسان مشاهده می‌کند - خطاست. وقتی مردم به یک سمتی گرایش پیدا می‌کنند، کسانی که از این گرایش خود را منتفع نمی‌بینند، اسامش را می‌گذارند حرکت پوپولیستی و حرکت عوامگرانی! این خطاست. انقلاب را همین اراده‌های مردمی و همین حضور مردمی - که متکی به ایمان آنها بود - توانست بوجود بیاورد و به پیروزی برساند. ملت ایران با ایمانش، با احساساتش، با غرور ملی‌اش، با افتخار به گذشته‌ی تاریخی و موارث عظیم فرهنگی‌اش، توانست این حرکت عظیم را بوجود بیاورد.

دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن / ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

خطاهائی در معارضین جمهوری اسلامی بود، که تا هر وقتی که این خطاها وجود داشته باشد، کارهائی که بکنند، ممکن است به مردم آزار و اذیتی وارد کند، اما بیشتر به ضرر خودشان است؛ یکی این است که معارضین جمهوری اسلامی غالباً خود را از مردم بالاتر دانسته‌اند. خطای دوم این است که به دشمنان این مردم امید بستند، دل بستند. این، دو تا اشتباه بزرگ است. وقتی از مردم خودشان را بالاتر دانستند، لازم‌هاش این میشود که اگر مردم در یک حرکت قانونی یک اقدامی کردند، یک چیزی را خواستند، یک چیزی را نخواستند، انتخابی کردند، عملی انجام دادند، اینها بگویند نه؛ مردم، عوام بودند؛ این عوامگرانی است، این پوپولیسم است؛ ما این را قبول نداریم. خود را از مردم بالاتر دانستن، اینجا ظاهر میشود. ادعا ملاک نیست که بگویند ما مردمی هستیم؛ در عمل باید مردمی بود.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

این مناظره‌ی دو نامزد [ریاست جمهوری آمریکا را دیدید؟ حقایقی که اینها بر زبان راندند دیدید؟ شنیدید؟ اینها آمریکا را افشا کردند. چند برابر چیزهایی را که ما میگفتیم و بعضی باور نمیکردند و نمیخواستند باور کنند، خود اینها گفتند. و جالب این است که آن که صریح‌تر گفت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت. آن مرد چون واضح‌تر گفت، صریح‌تر گفت، مردم آمریکا بیشتر به او توجه کردند. طرف مقابل گفت این پوپولیستی کار میکند؛ عوام‌گرایانه، چرا عوام‌گرایانه؟ برای خاطر اینکه حرفهایش را مردم نگاه میکردند، میدیدند درست است؛ در واقعیات زندگی خودشان آن را میدیدند.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «پوپولیسم» :

پوپولیسم / نویسنده : مهدی ابوطالبی / ۱۳۸۷/۰۷/۳۰

پوپولیسم مذهبی / نویسنده : سیدحسین حسینی / ۱۳۸۶/۰۳/۰۱

توازن نخبه‌گرایی و توده‌گرایی در اندیشه امام خامنه‌ای حفظه‌الله / نویسنده : سجاد رستمی‌پور / ۱۳۹۱/۰۲/۲۴